

خبرها

شرط کره شمالی برای شرکت در مذاکرات

ایرنا : کره شمالی روز دوشنبه در پی درخواست آمریکا برای بازگشت پیونگ‌یانگ به مذاکرات شش جانبه هسته‌ای پکن برای حل مسئله هسته‌ای شبه جزیره کره، بار دیگرخواستار پایان تحریم‌های مالی واشینگتن برای حضور در این مذاکرات شد. به گزارش خبرگزاری مرکزی کره شمالی وزارت خارجه این کشور در بیانیه‌ای تاکید کرد پیونگ‌یانگ در صورتی در مذاکرات شش جانبه حضور خواهد یافت که آمریکا به تحریم‌ها پایان داده باشد. «کریستوفر هیل» مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای آمریکا اواخر فروردین ماه گفته بود واشینگتن حاضر به معامله با کره شمالی نیست و از پیونگ‌یانگ خواست به پای میز مذاکرات شش جانبه حل مسئله هسته‌ای شبه‌جزیره کره بازگردد. کره‌شمالی دیروز تاکیدکرد اگر آمریکا به تحریم‌ها پایان دهد این کشید حاضر به شرکت در این مذاکرات است. کره شمالی بار دیگر دیروز تحریم‌های آمریکا را عامل بازدارنده ازرسگیری مذاکرات شش جانبه دانست که به میزبانی پکن برگزار می‌شود.

مانور مشترک افغانستان پاکستان و آمریکا

فارس : مرکز فرماندهی نیروهای آمریکایی در افغانستان دیروز اعلام کرد نیروهای آمریکا، پاکستان و افغانستان در طول مناطق متشنج مرزی دو کشور رزمایش مشترک انجام خواهند داد. به گزارش آسوشیتدپرس از کابل این رزمایش به دنبال افزایش نگرانی از تشدید حملات افراد مسلح و همکاری ضعیف پاکستان و افغانستان در این زمینه انجام می‌شود. سرهنگ لورن فاکس سخنگوی نظامی آمریکا در کنفرانسی مطبوعاتی در کابل اعلام کرد این رزمایش شامل حملات هوایی با شرکت نیروهای منتخب افغان، پاکستان و آمریکا است. فاکس افزود، تنها راه‌حل معضل تروریسم و حملات مسلحانه همکاری با یکدیگر است.

سودانی‌ها خودشان صلح برقرار کنند

فارس : فرستاده ویژهٔ اتحادیهٔ آفریقا به دارفور اعلام کرد توافقنامه صلح راگیر صرفاً خود سودانی‌ها را دربرمی‌گیرد و در نتیجه آنها باید خود صلح را در کشورشان برقرار کنند. به گزارش خبرگزاری شینخوا از دارالسلام «سلیم احمد سلیم» دبیرکل سابق سازمان اتحادیهٔ آفریقا دیروز با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد میانجی‌گری اتحادیهٔ آفریقا و جامعهٔ بین‌الملل فقط در حد ایده و پیشنهاد است و این خود سودانی‌ها هستند که باید برای خود عملاً اقدام کنند. فرستاده ویژهٔ اتحادیهٔ آفریقا در بخش دیگری از سخنان خود هشدار داد اگر سودانی‌ها مسئولیت‌های خود را بر عهده نگیرند، اوضاع در کشورشان وخیم‌تر خواهد شد. «سلیم احمد سلیم» هفته گذشته نیز با «علی عثمان محمد طه» معاون رئیس‌جمهوری سودان در ابوجا پایتخت نیجریه دیدار و با وی دربارهٔ اوضاع سودان و چندین‌تر تحولات این کشور تبادل‌نظر کرده بود. در نتیجه درگیری‌های خونین بین شورشیان دارفور و نیروهای دولتی سودان تاکنون بیش از ۳۰ هزار نفر در این کشور جان خود را از دست داده‌اند.

نگرانی از درگیری فرقه‌ای در سریلانکا

ایسنا : در پی کشته شدن شش کشاورز سینهایی به دست شورشیان ببرهای تامیل در سریلانکا که باعث افزایش نگرانی‌ها مبنی بر بروز درگیری‌های فرقه‌ای بیشتر شده، نظامیان سریلانکایی روز دوشنبه نواحی اطراف یک روستا در شمال شرقی این جزیره را به دقت مورد جست‌وجو قرار دادند. به گزارش خبرگزاری رویترز حملات غیرمنتظره شورشیان مظنون برهائی تامیل به ارتش که حملات علیه غیرنظامیان تامیل را در پی داشته است، طی دو هفته گذشته به کشته شدن حدود ۱۰۰ تن منجر شده است. در حالی که هر دو طرف مدعی هستند هنوز در راستای گفت‌وگو گام برداشته‌اند، دیپلمات‌ها می‌گویند به نظر می‌رسد که روند صلح کاملاً به بن‌بست رسیده و برخی نیز نگران بازگشت کشور به جنگ داخلی دو دهه گذشته هستند. قرار بود گفت‌وگوهای صلح سریلانکا هفته گذشته در سوئیس برگزار شود اما این مذاکرات به زمانی نامشخص موکول شد. یک سخنگوی ارتش سریلانکا گفت که بر تعداد نظامیان این کشور در روستایی که اواخر روز یکشنبه شش کشاورز در آن به ضرب گلوله کشته شدند، افزوده شده است. شورشیان آزادیبخش ببرهای تامیل (LTTE) ارتش تقریباً انحصاری سینهایی را به پاکسازی نژادی در شمال شرقی سریلانکا و کشتار روزافزون غیرنظامیان تامیل متهم می‌کنند.

ارمنی‌های لبنان راهپیمایی کردند

ایرنا : ده‌هزار نفر از ارمنی‌های لبنان روز دوشنبه به مناسبت ۲۴ آوریل نود و یکمین سالروز کشتار ارمنه در سال ۱۹۱۵ میلادی به وسیله ترک‌های عثمانی در بیروت راهپیمایی کردند. در این راهپیمایی از آن مقر رهبر ارمنی‌ها لبنان در منطقه آنطلیاس شمال بیروت آغاز شد و به سمت ورزشگاه ملی در منطقه «برج حمود» این شهر ادامه یافت، شماری از نمایندگان مجلس و شخصیت‌های سیاسی، حزبی، اجتماعی و دینی از طایفه‌های ارتدوکس و کاتولیک این کشور شرکت کردند. تظاهراتندگان که پرچم‌های ارمنستان و لبنان و همچنین عکس‌هایی از کشتار جمعی ارمنی‌ها را حمل می‌کردند، از دولت ترکیه خواستند به‌طور رسمی به این کشتار اعتراف و آن را محکوم کند. «آرام اول» رهبر ارمنی‌های لبنان روز دوشنبه با صدور بیانیه‌ای گفت : سیاست سکوتی که مقام‌های کنونی ترکیه و برخی دیگر از کشورهای جهان درباره کشتار ارمنی‌ها در پی گرفته‌اند نمی‌تواند این واقعیت تاریخی و اثبات شده را از آذهان محو کند.

استادانی که عقاید ضدآمریکایی دارند منزوی می‌شوند، معملانی که حرف از سیاست‌بزند از کار خود معلق شده و دانش‌آموزان تشویق می‌شوند که در مورد آموزگاران خود گزارش بدهند. چه بر سر دانشگاه‌های آمریکا آمده، آیا این وضعیت ناشی از تعقیب و آزار مخالفان است یا آنکه زندگی آکادمیک بیش از حد لیبرال شده است؟ متن پیش رو قصد دارد به این پرسش پاسخ دهد: زمانی که «والتر برنشتاین» فیلمنامه‌نویس معروف آمریکا در دوره‌ساتور مک کارتی در لیست سیاه قرار گرفت گفت زندگی‌اش دچار تغییر شده و به تدریج در محافل مختلف منزوی شده است. او در مقاله‌ای که در Inside Out به چاپ رسید نوشت: «تعداد انگشت‌شماری از دوستانم از من بریدند اما فهرست دوستان و آشنایانم به سرعت رو به کاهش گذاشته. گویی به نوعی بیمازی آلوده شده‌بودم و هیچ‌کس نمی‌خواست این بیماری من به او سرایت کند. اکثر کسانی که می‌شناختم از تماس گرفتن اجتناب می‌کردند و مانند گذشته دیگر به من تلفن نمی‌کردند و به تلفن‌های من جواب نمی‌دادند. وقتی در ملاءعام با هم برخورد می‌کردیم سراسیمه می‌شدند و تلاش می‌کردند فاصله بگیرند.» «پل گیلوری» رئیس گروه مطالعات آفریقایی‌های آمریکا در

دانشگاه نیل تجربه مشابهی را بعد از سخنرانی در مورد جنگ عراق داشته، او گفته بود: «اخلاق بمب‌های خوشه‌ال و بمب‌های مجهز به کلاهک هسته‌ای را استاندارد دوگانه امریالیستی تشکیل می‌دهد که برای جان آمریکایی‌ها ارزش بالاتری قائل است. . . . گیلوری که اکنون استاد تئوری‌های علوم اجتماعی از دانشکده اتئونی گینز در دانشگاه اقتصاد لندن است می‌گوید: «تصورم این بود که من بیش از حد فاقد صراحت لهجه هستم اما جالب اینجاست که به حمایت و طرفداری از تئوری توطئه متهم شده‌ام.»

«اسکات سیلورستاین» که روزگاری خودش دانشجوی دانشگاه ییل بود یک بار در رساله یکی از دانشجویان با متنی برخورد کرد که از گیلوری نقل قول کرده بود. سیلورستاین نامه‌ای برای روزنامه وال‌استریت ژورنال نوشت و این روزنامه هم این نامه را به چاپ رساند. سیلورستاین در این نامه گیلوری را به هینتر تشبیه و ادعا کرد که جمله‌های گیلوری «ناشی از نوعی روان پریشی و سادیسیم است که دانشگاهیان چپگرا به آن مبتلا هستند.» بعد از آن هم گیلوری نام خود را در سایت اینترنتی Discoverthenetworks پیدا کرد. این پایگاه اینترنتی فهرستی از استادان تندرو و رادیکال در گردآوری کرده است. اتهام اصلی این پایگاه اینترنتی به گیلوری این است که گیلوری معتقد است «ایالات متحده در مورد تهدید صدام حسین اغراق کرده است.» از آن به بعد سبیلی از نامه‌های الکترونیکی از دوست و بیگانه به سوی گیلوری سرازیر شد که عقاید او را محکوم می‌کرد. گیلوری می‌گوید: «فقط یک نفر از دوستانم به من چیزی نگفت. از آن به بعد هیچ‌کس در چشم‌های من نگاه نکرد. دلواپسی و بیم در رفتار آنها پیدا بود.» فقط تعداد اندکی رابطه‌ای مستقیم بین حملات اخیر به دانشگاهیان لیبرال و مک‌کارتیسم مشاهده می‌کنند. برخلاف دوران مک کارتی، اکثر تهدیدهای کنونی علیه آزادی دانشگاهیان – به‌همه حقیقی و چه ناشی از تلقی باطل – هیچ ربطی به دولت پیدا نمی‌کند؛ این تهدیدها مانند دهه ۱۹۵۰ و ضدیت با کمونیسم از حمایت عمومی و فراگیر هم برخوردار نیست. اما «الن شرکر» نویسنده کتاب «جنایت‌ها بسیار است: مک‌کارتیسم در آمریکا» مقایسه دوره حاضر با دهه ۱۹۵۰ (مک‌کارتیسم) را بجا و مناسب می‌داند و می‌گوید: «از بعضی جهات آنچه امروز اتفاق می‌افتد بسیار خطرناک‌تر از گذشته است. مک‌کارتیسم فقط با فعالان سیاسی و خارج از دانشگاه سروکار داشت. اما اکنون تاکید و تمرکز روی کلاس‌ها است. از این جهت خطرناک است که تاثیر مستقیم روی کارکرد اصلی دانشگاه‌ها به خصوص در مطالعات خاورمیانه دارد. در هر حال رویدادهایی اتفاق افتاده که هرچند پراکنده و جسته‌گریخته هستند اما حاکی از آنند که جریان‌ی مصمم، خستگی‌ناپذیر، هدفمند و آشکار در دانشگاه‌ها در حال فعالیت است.

اوایل سال ۲۰۰۶، «شان هانتیپ» یکی از مجریان و مفسران شبکه تلویزیونی فاکس نیز آمریکا [که بلندگوس محافظه‌کاران در ایالات متحده محسوب می‌شود] از دانشجویان سراسر دانشگاه‌ها خواست صدای استادان چپگرا را در دانشگاه ضبط کنند و برای این شبکه تلویزیونی بفرستند تا از این شبکه معرفی و پخش شود. در وب [اینترنت] Campus Watch و Edwatch به منظور نظارت بر مطالعات خاورمیانه در دانشگاه‌ها توطئه‌ها شده‌اند و به والدین توصیه می‌کنند که مراقب فرزندان خود باشند تا در معرض کتاب‌های بد قرار نگیرند. در اواسط ژانویه انجمن دانشجویان بروین (Bruin Alumni association) وعده داد به ازای هر نزاری که از استادان چپگرا در دانشگاه کالیفرنیا در شهر لس‌آنجلس ضبط شده باشد ۱۰۰ دلار جایزه می‌دهد. این انجمن حداقل یک عضو وفادار ۲۴‌ساله به نام «آندرو جونز» داشت. هدف این انجمن «رسوا کردن استادان رادیکال با عقاید افراطی در دانشگاه کالیفرنیای لس‌آنجلس [معروف به UCLA] بود.» درست بعد از آنکه انجمن یاد شده پیشنهاد ۱۰۰ دلاری را مطرح کرد: «آندرو جونز» و به سبایتی به آدرس Uclaprofs.com راه‌اندازی کرد. در این وب‌سایت بخشی از Dirty30 نامگذاری کرد. [dirty به زبان

اساتیدی که حرف سیاسی بزنند معلق می‌شوند

مک‌کارتیسم نو

گری یونگ

ترجمه : علیرضا عبادتی



انگلیسی به معنی کثیف یا کثافت است. [در

این بخش او فهرستی را جمع‌آوری کرد که از نظر او اسف‌بارترین خلافکاران چپگرا به حساب می‌آمدند. در راس فهرست او نام «پیتر مک‌لارن» استاد تحصیلات تکمیلی دانشگاه کالیفرنیا لس‌آنجلس به چشم می‌خورد. جونز از کلمه «هیولا» برای توصیف مک‌لارن استفاده کرده است. وی در وب‌سایت خود نوشته است: «هر آنچه از دهان پیتر مک‌لارن بیرون می‌آید یا از قلم او جاری می‌شود بدون تردید و عمیقاً رادیکال است. در راستای هویت سیاسی چپی که دارد دوست جامعه‌همچس گرایان هم هست. «مک‌لارن از این پدیده شوکه شده بود و در واکنش به آن گفته بود: «وقتی که این قصه دهان به دهان می‌گشت من حضور نداشتم و وقتی بازگشته‌بودم در فاصله‌ای بسیار کوتاه ۸۷ پیام در صندوق پستی‌ام انتظار مرا می‌کشید. شگفت‌زده‌شدم از اینکه در دوره ما هم چنین لیست سیاهی ایجاد می‌شود. با خودم فکر کردم که عجیب است، یکی پیدا شده و تمام کارها و آثار مرا به دقت خوانده است.» مک‌لارن می‌گوید: «اولین چیزی که به فکرم رسید این بود که نزدیک‌نام توانا پس ندهند. چون نمی‌خواستم دیگران هزینه کارها و افکار مرا بپردازند. در فهرست «۳۰ کثافت» آندرو جونز نام «الن دویبو» استاد تاریخ نیز وجود دارد. در سایت جونز، دویبو‌آ با این کلمات توصیف شده است: «در همه جواب‌او یک زن دانشگاهی مدرن است: با خلقیات نظامی، پرخاشجو، ناشکیبا، سرزنش‌آمیز و رادیکال، خیلی رادیکال.» دویبو نیز در مصاحبه با لس‌آنجلس تایمز

گفت: «این روز خیلی خبیلی نفرت‌انگیز است که به دانشجویان پروبال بدهید که در تعقیب و آزار استادان دانشگاه شرکت جویند.» [دویبو‌آ کلمه Watch-hunt «تقصیم‌های کنونی علیه آزادی دانشگاهیان – به‌همه حقیقی و چه ناشی از تلقی باطل – هیچ ربطی به دولت پیدا نمی‌کند؛ این تهدیدها مانند دهه ۱۹۵۰ و ضدیت با کمونیسم از حمایت عمومی و فراگیر هم برخوردار نیست. اما «الن شرکر» نویسنده کتاب «جنایت‌ها بسیار است: مک‌کارتیسم در آمریکا» مقایسه دوره حاضر با دهه ۱۹۵۰ (مک‌کارتیسم) را بجا و مناسب می‌داند و می‌گوید: «از بعضی جهات آنچه امروز اتفاق می‌افتد بسیار خطرناک‌تر از گذشته است. مک‌کارتیسم فقط با فعالان سیاسی و خارج از دانشگاه سروکار داشت. اما اکنون تاکید و تمرکز روی کلاس‌ها است. از این جهت خطرناک است که تاثیر مستقیم روی کارکرد اصلی دانشگاه‌ها به خصوص در مطالعات خاورمیانه دارد. در هر حال رویدادهایی اتفاق افتاده که هرچند پراکنده و جسته‌گریخته هستند اما حاکی از آنند که جریان‌ی مصمم، خستگی‌ناپذیر، هدفمند و آشکار در دانشگاه‌ها در حال فعالیت است.

استادانی که عقاید ضدآمریکایی دارند منزوی می‌شوند، معملانی که حرف از سیاست‌بزنند از کار خود معلق شده و دانش‌آموزان تشویق می‌شوند که در مورد آموزگاران خود گزارش بدهند. از بعضی جهات آنچه امروز اتفاق می‌افتد بسیار خطرناک‌تر از گذشته است. مک‌کارتیسم فقط با فعالان سیاسی و خارج از دانشگاه سروکار داشت. اما اکنون تاکید و تمرکز روی کلاس‌ها است. از این جهت خطرناک است که تاثیر مستقیم روی کارکرد اصلی دانشگاه‌ها به خصوص در مطالعات خاورمیانه دارد. رویدادهایی اتفاق افتاده که هرچند پراکنده و جسته‌گریخته هستند اما حاکی از آنند که جریان‌ی مصمم، خستگی‌ناپذیر، هدفمند و آشکار در دانشگاه‌ها در حال فعالیت است. بسانیم.» و در ادامه گفت: «چقدر این حرف‌ها شبیه سخنان آدولف هیتلر است. یادا می‌کنم این حرف‌ها هیتلر است. تنها کسانی هستیم که درست فکر می‌کنیم، همه مردم دنیا عقب‌مانده‌اند و وظیفه ما این است که دنیا را فتح و اطمینان حاصل کنیم بقیه مردم دنیا همان طوری زندگی کنند که ما می‌خواهیم. منظور من این نیست که بوش و هیتلر دقیقاً عین هم هستند. واضح است که آنها شباهتی به هم ندارند. خب اما در لحن آنها شباهت‌های ترسناکی هست.» غافل از این که «هشین آلن» دانش‌آموز ۱۶‌ساله یخشیی از حرف‌های این معلم را روی ام‌پی‌تری پلیر خود ضبط می‌کند. پدر این دانش‌آموز که عقاید جمهوری‌خواه و محافظه‌کار داشت کوتاه‌نামد و صدای این معلم را به یکی از رادیوهای محلی برد. «مایک روزن» مجری رادیوی محلی در این شهر هم صدای این معلم را روی آنتن برد. با وجودی که «بنیش» در ادامه این جملات را به کار برده بود: «منظور من این نیست که شما باید حتماً با من هم عقیده باشید، تصور نمی‌کنم که با این جملات موضع خود را القا کرده باشم اما تمام تلاش من این است که شما را وادار کنم عمیق‌تر فکر کنید و مسائل را سطحی نگاه نکنید. خوشحال هستم که شما سؤال خود را مطرح می‌کنید.» «استفانه مایک روزن فقط از بخش از ابتدای حرف‌های بنیش را روی آنتن برد. فردای آن روز این معلم به حالت تعلیق درآمد و استدلال آموزش و پرورش هم این بود که او از وظیفه خود تخلفی کرده و اعملمان باید تا حد امکان بی‌طرف باشند.» تعلیق این معلم واکنش‌های عنوان یک تهدید می‌شناسند و فکر می‌کنم دنبال اطلاعاتی می‌گشتند که علیه من استفاده کنند.» «دیوید

جهان

اساتیدی که حرف سیاسی بزنند معلق می‌شوند

انگلیسی وزن و قافیه دارد و مفهوم آن در فارسی این است که «آزادی بیان را محترم بشمارید و بگذارید درشش را بدهد.» (Freedom of Speech, let him teach) عده‌ای دیگر هم شعار مخالف با آن می‌دادند که آن هم وزن و قافیه داشت و معنی آن این بود: «درس بده وعظ نکن.» «در حال این دانشگاه است که در خط مقدم قرار دارد و در آن سوی سنگر هم «دیوید هوروویتز» راستگرا قرار دارد که افرادی نظیر «آندرو جونز» را اجیر می‌کنند. اما همین هوروویتز زمانی که جنجال بر سر نر ضابط شده از کلاس استاد‌بالا می‌گیرد جونز را اخراج می‌کند. به خصوص که با مخالفت کمونیست‌ها و مارکسیست‌ها مواجه می‌شود، او خود نیز در نوجوانی یک مارکسیست بوده است. دیوید هوروویتز در ایجاد گروه‌های مختلف تحت عناوین دیده‌بان دانشگاه، دیده‌بان جهادی‌ها، دیده‌بان اساتید و دیده‌بان رسانه‌ها نقش ایفا کرده و با بنسیناگزاران سایت discoverthenetworks.org همکاری داشته است. چند سال پیش هم گروهی تحت عناوین «دانشجویان طرفدار آزادی دانشگاهی» ایجاد کرد که دامنه فعالیت آنها تا ۱۵۰ دانشگاه پیش رفت. جنبشی که او به راه انداخت مدعی نظارت و مراقبت از دانشجویانی بود که

مورد تعدی قرار گرفته بودند و فر‌های شکایت بر می‌کردند. در این فر‌ها دانشجویان می‌بایست تاریخ، نام استاد، نام درس و جملات و کلمات اظهار شده یا رویدادهای اتفاق افتاده را ثبت و جمع‌آوری می‌کردند. ظرف سه سال گذشته در چند ایالت به دنبال طرح لایحه‌ای در این زمینه بود تا به دانشجویان این اجازه داده‌شود درس‌هایی را که اهانت‌آمیز تلقی می‌کنند به اصطلاح حذف کرده و از شرکت در کلاس‌های آن خودداری کنند. این لایحه در ۲۳ ایالت مورد بررسی قرار گرفت. در ماه ژوئیه ۲۰۰۵ ایالت پنسیلوانیا این لایحه را تصویب کرد و در ۱۴ دانشگاه این ایالت این قانون به اجرا درآمد. علاوه بر این مجلس نمایندگان قانونی را تحت عنوان «قانون آموزش عالی» به تصویب رساند و به موجب آن دانشگاه‌ها و دانشگاه‌های دولتی که از بودجه دولت استفاده می‌کنند باید کثرت‌گرایی و ارائه تمامی نظرایه موافق و مخالف را رعایت کنند.

هوروویتز می‌گوید: «هدف این جنبش دخالت در قانونگذاری نبود و قصد نداشت قانونی را به تصویب برساند بلکه فقط می‌خواست قانونگذاران و دانشگاهیان مطلع شوند که نسبت استادان چپگرا به راستگرا در دانشگاه برکلی هفت به یک و در استانفورد ۹ به ۱ است یعنی اگر محافظه‌کار داشتند نمی‌توانید به راحتی در دانشگاه‌های آمریکایی استخدام شوید.»

شواهد هم ادعای هوروویتز را تا حدودی تایید می‌کند. شاید دقیق‌ترین مطالعه‌ای که در این زمینه صورت گرفته مطالعات «دانیل کلین» اقتصاددان دانشگاه کالیفرنیا و «شارلوت استرن» دانشمند سوئدی باشد. این مطالعات نشان داد بستگی به درسی‌دار که استادان در دانشگاه تدریس می‌کنند. در رشته‌های انسان‌شناسی و علوم اجتماعی تعداد استادان دموکرات ۳۰ برابر استادان محافظه‌کار است اگرچه این نسبت در رشته‌هایی مثل اقتصاد به شدت کاهش یافته و تا سه به یک تنزل یافته است. اما این آمار بخشی از حقایق زندگی در دانشگاه است و محدود کردن دامنه تحقیقات به رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی باعث می‌شود بخش قابل توجهی مورد غفلت قرار گیرد. براساس پرنیستن ردیو چهار رشت مهم دانشگاهی از ده رشته محبوب یعنی مدیریت، زیست‌شناسی، پرستاری و علوم کامپیوتر از رشته‌های علوم انسانی یا علوم اجتماعی به حساب نمی‌آیند. محافظه‌کاران اینگونه رشته‌ها را بیشتر ترجیح می‌دهند و نسبت آنان به دموکرات‌ها در این رشته‌ها بیشتر است. به هر حال هیچ‌کس آن‌کس نمی‌داند که درصد لیبرال‌ها در دانشگاهیان بیشتر از جمهوری‌خواهان و محافظه‌کاران است. «تاد گلیتلین» استاد روزنامه‌نگاری و علوم اجتماعی دانشگاه کلمبیا می‌گوید: «دانشجویان با عقاید محافظه‌کارانه را بیشتر در رشته‌های مربوط به نفت پدا می‌کنند اما جمعیت آنان در علوم اجتماعی بسیار ناچیز است.» اما «شرکر» استاد تاریخ دانشگاه «میشوا» در نیویورک می‌گوید شاید تعداد استادان لیبرال در دانشگاه‌ها بیشتر از محافظه‌کاران باشد اما لزوماً قدرتشان بیشتر نیست. در فوریه هوروویتز کتابی با این نام منتشر کرد:

«استادان: ۱۰۱ مورد از خطرناک‌ترین دانشگاه‌ها در آمریکا». او در این کتاب فهرست الفبایی از دانشگاه‌هایی ارائه کرده که به عقیده او فضای دانشگاه را با «افکار لیبرالی‌چپ» آلوده می‌کنند. روی جلد این کتاب نوشته شده است: «وقتی به محوطه یکی از دانشگاه‌های نزدیک خود سری می‌زنید با تروریست‌ها، نژادپرستان و کمونیست‌هایی مواجه می‌شوید که همه آنان را به عنوان استاد می‌شناسند.» کافی است نگاه به شرح احوال «تاد گلیتلین» استاد ژورنالیسم و علوم اجتماعی دانشگاه کلمبیا در این کتاب بیندازید. گلیتلین رئیس انجمن «دانشجویان برای جامعه دموکراتیک» است. این انجمن جنبشی ضدجنگ و مامور اطلاعاتی دارد، آنها موثر هستند. «آیا آنها پشت تروهای خبرنگاران و سیاستمداران لبنانی‌اند؟ درداشت وسیعی در لبنان در این خصوص وجود دارد اما هیچ نظری در این باره ندارم. شما به تبادل سفیر با سوریه و تعیین مرز میان سوریه و لبنان امیدوارید اما سوریه . . . آری، سوریه در حال تاخیر انداختن در این امر است، من درخواستم را در برابر سازمان ملل بیان کردم و امیدوارم سوریه این همه اقدام را به انجام رسانند، ما با سوریه همسایه‌ایم و به‌خواهیم در حالتی بسیار دوستانه این امر را به انجام رسانیم.

سال سوم ■ شماره ۷۴۳

گفت‌وگو

سنیوره در گفت‌وگوبا واشینگتن پست

به لحود پیشنهاد می‌کنم استعفا دهم



فواد سنیوره با جوش بوش در حالی دیدار کرد که لبنان برای به‌دست آوردن یک کُشُور دموکراتیک و آزاد در تقلا است. در این مِسان خبِسرنگار ورتِنامه واشینگتن پست با سنیوره به گفت‌وگو نشست

است. به گزارش ایسنا فواد سنیوره نخست‌وزیر لبنان به سوالات این خبرنگار این گونه پاسخ داده است:

■ واشینگتن پست: نیروهای ضدآزادی و حامی سوریه هم اکنون بسیار قوی‌تر از بهار گذشته و پیش از انتخابات هستند. چرا؟
سنیوره: آنها در حال سازماندهی گروه‌هایشان برای حمله به دولت و متوقف کردن اکثریت هستند تا تغییرات خود را به‌دست آورند.
■ شما در دیدارتان با جورج بوش رئیس‌جمهور آمریکا چه مواردی را درخواست کردید؟
من از بوش چند مورد مشخص را خواستم. اول کمک به لبنان برای به‌دست آوردن حاکمیت کامل بر تمامی اراضی‌اش و عقب‌نشینی اسرائیل از بخش‌های باقی‌مانده از لبنان که هنوز در اشغال اسرائیل است از جمله مزارع شِبا.

■ به گفته دبیرکل سازمان ملل، اسرائیل به طور کامل از لبنان عقب‌نشینی کرده و مزارع شِبا نیز به عنوان زمین‌های سوریه است که در اشغال اسرائیل به سر می‌برد.

مزارع شِبا از آن لبنان است.
■ خواسته دوم شما چه بود؟
تقویت دولت لبنان از طریق تقویت توانمندی‌های نیروهای امنیتی داخلی و ارتش لبنان با ارائه تجهیزات و آموزش.
رئیس‌جمهور چه پاسخی داد؟
ما چنند وزیر برای مباحثه در این خصوص به آمریکا اعزام می‌کنیم.
■ و خواسته سومتان؟
توانمندی دولت لبنان از لحاظ اقتصادی. من می‌خواهم دولت آمریکا فعالانه در تشکیل دادن یک کنفرانس بین‌المللی در حمایت از لبنان شرکت کند.
■ به منظور داشتن لبسِنائی آزاد آیا شما نباید یک رئیس‌جمهور جدید داشته باشید؟ چطور می‌خواهید چنین امری را محقق کنید؟

مدت خدمت رئیس‌جمهور شش سال است، قانون اساسی به منظور تمدید مدت ریاست جمهوری امیل لحود با وجود قدرت حامیان سوریه در آن زمان، اصلاح شد. من به رئیس‌جمهور پیشنهاد می‌کنم استعفا دهد. در صورتی که این امر اتفاق افتد، افق‌های جدیدی برای کشور گشوده می‌شود.
■ چه کسی می‌تواند این حزب‌الله لبنان را همان‌طور که قطعنامه سازمان ملل (۱۵۵۹) گفته صلاح کند؟
اگر آمریکا و کشورهای دوست به ما در دستیابی به خروج اسرائیل از مزارع شِبا کمک کنند، نیروهای امنیتی می‌توانند تنها نیروهای سلاح به دست در کشور باشند.
■ چرا حزب‌الله لبنان باید سلاح‌هایش را تحویل دهد؟ آیا آنها شما را تهدید کردند و به شما گفتند که به آمریکا نایید؟
آنها مرا تهدید نمی‌کنند، اگرچه بعضی از آنها گفتند من نباید به اینجا می‌آمدم.
■ چطور شما می‌توانید حزبی را داشته باشید که سلاح حمل می‌کند؟

لبنان شبیه هیچ دموکراسی دیگری نیست. مشکل از ۱۸ فرقه مذهبی است، ما نمی‌توانیم به تغییر دسترسی پیدا کنیم به جز از طریق مذاکره و فهم یکدیگر.
■ آیا حزب‌الله لبنان از سوی ایران و سوریه کنترل می‌شود؟
حزب‌الله لبنان وابستگی شدیدی به سوریه و ایران دارد اما حزب‌الله لبنان مکرراً اعلام کرده یک حزب لبنانی است. حزب‌الله لبنان چندین هدف دارد که من با آنها موافقم.

■ آنها چه هستند؟
اسرائیل همچنان تعدادی از زندانیان لبنانی را در اختیار خود نگه داشته است.
■ آیا اینها همان تروریست‌هایی هستند که اسرائیلی‌ها را کشته‌اند؟

آنها کشته شدند و کشتند، اما این یک جنگ است، آنها غیرنظامی‌ها را نکشته‌اند بلکه اعضای ارتش اسرائیل را کشته‌اند. با خواست‌های حزب‌الله لبنان موافقیم: «آزادی این زندانیان و از اسرائیلی‌ها می‌خواهیم تا نقشه‌هایی از زمین‌های ما را ارائه کنند»، نقض‌های حریم هوایی و دریایی را نیز متوقف کنند.»
■ آیا شما دوست دارید درباره این امر با اسرائیل مستقیماً گفت‌وگو کنید؟

نه، ما هیچ رابطه دیپلماتیکی با اسرائیل نداریم.
■ چرا شما روابطتان را با اسرائیل عادی نمی‌کنید؟
ما در حال نهایی کردن این روند صلح خواهیم بود.
■ آیا شما فکر می‌کنید سوریه‌ها لحود را تهدید کرده‌اند؟
آیا وی استعفا می‌دهد یا آنها وی را می‌کشند؟

من شخصاً فکر می‌کنم او چنین کاری را نمی‌کند.
■ آیا آنها لحود را می‌کشند؟
من نمی‌خواهم از این واژه استفاده کنم، او برای استعفا دادن آزاد نیست.
■ قدرت نفوذ سوریه در لبنان امروز چگونه است و این امر چه سختی‌هایی را برای شما به همراه دارد؟
سوریه در لبنان حامیان، سیاستمداران و تعدادی مامور اطلاعاتی دارد، آنها موثر هستند.
■ آیا آنها پشت تروهای خبرنگاران و سیاستمداران لبنانی‌اند؟
برداشت وسیعی در لبنان در این خصوص وجود دارد اما هیچ نظری در این باره ندارم.

■ شما به تبادل سفیر با سوریه و تعیین مرز میان سوریه و لبنان امیدوارید اما سوریه . . . آری، سوریه در حال تاخیر انداختن در این امر است، من درخواستم را در برابر سازمان ملل بیان کردم و امیدوارم سوریه این همه اقدام را به انجام رسانند، ما با سوریه همسایه‌ایم و به‌خواهیم در حالتی بسیار دوستانه این امر را به انجام رسانیم.